



۲۰۱۶/۱۲/۲۶



امین الدین سعیدی «سعید افغانی»

## از دواج با دو خواهر در یک وقت!

### قسمت اول

در شرع اسلامی ازدواج یا جمع بین دو خواهر (دو خواهر را در یک زمان برای شخص، در نکاح واحد جایز نیست) خداوند متعال می فرماید: «وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ» (نساء: ۲۳). جایز نیست که: دو خواهر را با هم جمع آورید، مگر آنچه گذشته است. همچنان به اساس حکم حدیثی شریفی که میفرماید: «من كان يؤم بالله واليوم الآخر يجمع ما في رحم أختين» ویروی: ملعون من جمع ماء في رحم أختين). مطابق فرموده پیامبر (ص) که فرموده است کسیکه بر الله تعالی و روز آخرت ایمان دارد پس «آب منی» خود را در رحم دو خواهر هر گز جمع نکند.

در فردوس دیلمی حدیث است که من در خدمت نبی علیه السلام حاضر شدم و عرض نمودم که من اسلام را قبول کردم و در نکاح من دو خواهر است پس نبی علیه السلام فرمود که تو در هر دوی آنها یکی را برگزین. «قلت یا رسول الله انی اسلمت و تحتی اختان قال: طلق ایهما شئت (والترمذی فی روایتہ) «اختر ایهما شئت»

قابل تذکر است هر گاه دو خواهر در دو عقد نکاح صورت گیرد و این معلوم نباشد که همراهی کدام یکی از آنها قبلاً و کدام یکی بعد نکاح شده است پس در این صورت قاضی در میان شوهر هر دو خواهر تفریق میکند و این تفریق طلاق به این میباشد دلیل این است که در میان هر دو آنها نکاح یکی شان بطور یقینی جایز و از یکی به طور یقینی باطل است اکنون تنها در صورت ها می باشد یکی اینکه نکاح یک آنها به طور معین نافذ کرده شود و از یکی باطل کرده شود دوم اینکه به جهالت نکاح هر دو شان نافذ کرده شود ولی این هر دو صورت ها ممکن نیست اول بدین جهت که به این کار کردن ترجیح بلا مرجح لازم میشود و صورت دوم بدین جهت ممکن نیست که اول باید به این طور کردن فایده نیست زیرا که مقصد نکاح حلال کردن وطی و تناسل است و در این صورت این مقصود حاصل نمی شود، دوم اینکه در این کار به هر دوی از زنها ضرر است زیرا که هر دو زنان به یک نفقه گزاره بسر می برند و هر دوی شان مجوس باقی می ماند و هم باکسی دیگر نکاح کرده نمی تواند.

هرگاه مهر این دو زنها برابر بود و تفریق نیز قبل از الدخول باشد پس به هر دو آنها نصف مهر داده میشود و هر دوی آنها به نصف تقسیم میکند که در حصه هر دو آنها ربع ربع می آید دلیل اینست که نصف مهر در هر دوی آنها برای آن یکی واجب میباشد که کدام آنها مقدم باشد و این معلوم نیست که مقدم کدام آنها است پس به جهت عدم اولیت به هیچ یکی آنها ترجیح داده نمی شود پس نصف مهر به هر دوی آنها داده میشود و رای بعضی حضرات اینست که در هر دو هر یکی آنها دعوی کند که من مقدم هستم که برای مدعیه بر اساس همین دعوی داده شود یا هر دو در میان شان صلح کند که در نصف هر دو شان شریک باشند زیرا که علم اصل مستحقه نیست. (احسن الهدایه شرح هدایه ترجمه اشرف الهدایه مولانا جمیل احمد سرودودی مدرس دارالعلوم دیوبند مترجم مولانا سید داود استاد امان الله امان جلد سوم: تحت عنوان با دو خواهر نکاح در عقود جدا و تفریق در آنها)

به این ترتیب جمع کردن هر دو خواهر به یک عقد، و به اصطلاح در یک نکاح جایز نبوده و وطوریکه متذکر شدیم این نکاح حرام می باشد.

خواننده محترم !

بصورت کل باید گفت که ، شاید حکمت و فلسفه ی این که شرعیت اسلام از ازدواج هم زمان با خواهران جلوگیری کرده، این باشد که اولاً: حرمت و شخصیت زن را حفظ کند، ثانیاً: دو خواهر به حکم نسبت و پیوند نسبی و عاطفی، نسبت به یکدیگر علاقه ی شدید دارند ولی هنگامی که رقیب هم شوند، نمی توانند علاقه ی گذشته را حفظ کنند، به این ترتیب تضاد عاطفی در آن‌ها پیدا می شود که برای زندگی زیان آور است و اساس خانواده را از هم می پاشد؛ زیرا همیشه انگیزه محبت و رقابت در وجود آن‌ها در کشمکش است.

### ازدواج دو دختر پیامبر اسلام با عثمان ذی النورین :

حضرت عثمان ذی النورین (رض) یکی از صحابه پیامبر و خلیفه سوم بود که در تاریخ اسلام نقش عظیمی را داشته است. از مهم‌ترین کارهای او جمع‌آوری قرآن عظیم الشان است و او که یکی از اولین مسلمانان بود، که با دو دختر رسول الله (ص)، به نام های ( رقیه و ام کلثوم )، ازدواج کرد و از این رو، به لقب « ذوالنورین » یاد می شد.

علت مشهور شدن حضرت عثمان به لقب ذی النورین در این بود که این صحابی جلیل القدر با دو دختر نبی اکرم (ازدواج با دختر دوم رسول الله بعد از مرگ اولی) ازدواج نمود.

حضرت عثمان، سی و چهار سال داشت که ابوبکر صدیق او را به دین مقدس اسلام دعوت کرد و او نیز بدون هیچ‌گونه مکث و تردیدی دین اسلام را پذیرفت. بدین سان به دین اسلام گروید و در شمار نخستین امت (پیروان) پیامبر درآمد. (ابواسحاق در این این خصوص می گوید: «عثمان بعد از ابوبکر، علی و زید بن حارثه، نخستین کسی است که اسلام آورد و خود را به عنوان چهارمین فرد مسلمان مطرح کرد».

پس از اسلام آوردن عثمان، پیوند زناشویی بین او و رقیه دختر پیامبر اسلام برقرار شد. این ازدواج، منزلت او را نزد مسلمانان دو چندان ساخت. داستان این ازدواج را علی محمد الصلابی چنین شرح می دهد: «رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیش از آن، رقیه و ام‌کلثوم را به عقد عثبه و عثیبه، پسران ابولهب درآورده بود. اما پس از نزول آیات سوره مبارکه مسد که مضمون آن عبارتند از: «نابود باد ابولهب! و حتماً هم نابود می گردد. دارائی و آنچه از شغل و مقام به دست آورده است، سودی بدو نمی رساند و او را از آتش دوزخ نمی رهند. به آتش بزرگی در خواهد آمد و خواهد سوخت که زبانکش و شعله‌ور خواهد بود. و همچنین همسرش که در اینجا آتش بیار معرکه و سخن‌چین است در آن جا بدبخت و هیزمکش خواهد بود. در گردنش رشته طناب تافته و بافته‌ای از الیاف است».

ابولهب و همسرش، ام جمیل دختر حرب بن امیه، مادر عثبه و عثیبه، آندو را امر به طلاق دختران محمد صلی الله علیه و سلم دادند و آنان نیز قبل از همبستر شدن، ایشان را طلاق دادند تا خود لطفی باشد از جانب خداوند بر آل محمد و ذلتی باشد از آن ابولهب و فرزندان او سپس همو می افزاید: «عثمان به محض شنیدن این ماجرا نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و از رقیه خواستگاری کرد، رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیز وی را به عقد عثمان درآورد.»

حضرت عثمان در شمار مهاجران به حبشه بود، اما به زودی به مکه بازگشت و به مدینه مهاجرت کرد. ابوجعفر طبری می گوید: «در باره تعداد کسانی که برای نخستین بار به حبشه هجرت کردند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی می گویند: یازده مرد و چهار زن بودند».

به هر حال، عثمان و همسرش رقیه، دختر پیامبر، نیز در این جمع بودند. پیامبر اسلام برای آنها چنین دعا کرد: «خداوند یار و همراه عثمان و رقیه باشد، عثمان، بعد از حضرت لوط اولین شخصی است که با اهل بیئتش در راه خدا هجرت کرده است. پس

از وفات رقیه، پیامبر اسلام، ام کلثوم، دختر دیگر خود را به عقد حضرت عثمان در آورد. حضرت عثمان رضی الله عنه پس از ۱۱ سال خلافت، در سال ۳۵ هجرت، روز ۱۸ ماه عید قربان، به عمر ۸۲ سالگی به شهادت رسید.

پایان قسمت اول

ادامه دارد

